



21 «من از جشنهای شما نفرت و کراهت دارم، و از گردهم‌آیی‌های مخصوص شما بیزارم. 22 اگرچه قربانیهای تمام‌سوز و هدایای آردیتان را به من تقدیم کنید، نخواهم پذیرفت؛ و قربانیهای رفاقتِ پرواریهای شما را منظور نخواهم داشت. 23 سر و صدای سرودهایتان را از من دور کنید؛ من به نوای چنگهای شما گوش نخواهم کرد. 24 بلکه بگذارید انصاف همچون آب جاری شود، و عدالت همچون نهر دائمی. 25 «ای خاندان اسرائیل، آیا در آن چهل سال در بیابان، برای من قربانی و هدیه آوردید؟»

یکی از روزهای سه شنبه کودکان بروکه دور هم جمع شده بودند. هر کدام از آنها به دلایل خاص خودشان به آنجا می‌آمدند. یکی به آنجا می‌آمد تا از خانه دور باشد. یکی هم برای دریافت کمک در کارهای خانه اش و دیگری برای خوردن یک کاسه سوپ به آنجا می‌آمدند. ادم می‌تواند این

صحنه را تصور بکند که: هر کسی برای خودش یک هدفی در بروکه دنبال می‌کند، هدفی غیر از هدف اصلی برنامه بروکه. که در آخر هم یکی از بچه‌ها می‌گوید که امروز نه بازی کردیم و نه چیزی خوردیم فقط ما درباره موضوعات مسخره حرف زدیم. از فردا روزهای روزه گرفتن مسیحیان شروع می‌شود. و ما از شما کودکان نیز انتظار داریم که روزه بگیرید و به جای بازی کردن کمی هم به خدا فکر بکنید و او را ستایش بکنید. حال شما عکس العمل کودکان را چگونه می‌بینید؟ بله آنها با تعنه ای می‌گویند که ما بجای بازی کردن و غذا خوردن باید خدا را ستایش کنیم. و اگر شکم ما خالی باشد ما انوقت باید از بودن کنار خدا خوشحال باشیم؟ ما حتما جواب هایی که کودکان به ما می‌دهند را در این برنامه‌ها باید طوری دیگری بدانیم. در این آخرین یکشنبه یک هفته مانده به روزهای روزه گرفتن ما دور هم جمع می‌شویم و موسیقی گوش می‌دهیم و بدون هیچ نقصی این اهنگ‌ها اجرا می‌شوند. کشیش هم اوازهای نسبتا درستی می‌خواند و همچنین ما خطبه سرگرم کننده ای و جالبی می‌شنویم. و ادم در بودن در همچنین مکانی یعنی در مراسم عبادت بسیار راضی می‌باشد. در این روز برای بزرگسالان هم همانند آن کودکان دفتر بروکه طور دیگری سپری می‌شود. در پایان مراسم عبادت شخصی وارد کلیسا می‌شود و با صدای بلند فریاد می‌زند که: ای جماعت شما با خودتان چه فکری کرده اید؟ شماها هرساله پول‌های زیادی مصرف می‌کنید تا در این جا شعرهای ایمان و ارانه بخوانید. و همچنین موزیک‌های زیبا گوش دهید. اینها همه هیچ فایده ای ندارد و آن مرد به ما این پند را می‌دهد که بهتر است ما در بیرون از کلیسا نوشیدنی و غذا مابین افراد تقسیم کنیم تا فایده بهتری داشته باشیم. ما در این جا دو خطبه ای را می‌شنویم که از اساس باهم فرق و تناقض دارند. ولی هر دو آنها در اساس هم درست می‌باشند. در یک طرف ادم هایی هستند که فقط به غذای جسمی فکر می‌کنند و به غذای روح کاری ندارند. و از طرفی دیگر ما مسیحیان فقط به مراسم عبادت می‌پردازیم و به رفتاری‌های مردم کاری نداریم. پیامبر امروز خطبه ما، با سخنانش این را نشان می‌دهد که او با گروه دوم ما مخالفتی داشته باشد. ولی این را باید بدانیم که اموس ضد مراسم عبادت نبود. ما باید این را ببینیم که در آن زمان ها مراسم قربانی کردن حیوانات در بین یودیان برگزار می‌شد. در آن زمان بایستی قربانی‌ها به نزد علمای یهودی آورده می‌شدند و آنها بایستی تایید می‌کردند که آیا این قربانی‌ها در حد قربانی کردن مقابل خدا می‌باشند یا نه. ولی آنها فقط یک نمایی را اجرا می‌کردند تا دیگران شاهد آن باشند و هیچ توجهی به قلب آن افراد نمی‌کردند که چه چیزی در قلب آنها می‌گذرد. و فقط امارها مهم بودند و به فقیرها توجهی نمی‌شد. و قربانی‌های افراد پولدار همیشه مورد قبول علما قرار می‌گرفت و تایید می‌شدند. ولی آنها همیشه مورد قبول خداوند نبودند. پولدارها با انسان‌های دیگر بسیار بد رفتار می‌کردند و آنها را حتی به عنوان برده می‌فروختند. اموس قصد داشت با این خطبه خودش این رسوم را از بین ببرد. او با صدای بلند به همه فریاد می‌زند و با صدای خدایی خودش می‌گوید که: این مراسم‌ها هیچ کدام صحیح نمی‌باشند و خدای حقیقی از این مراسم‌ها متنفر می‌باشد و اینها هیچ وقت پایدار نمی‌مانند. این به این معنی نیست که خدا قصد داشته تا مراسم عبادت را کاملا از بین ببرد ما هم نمی‌توانیم امروز از اموس این را بیاموزیم که فقط کارهای خوب انجام باید بدهیم. و ما دیگر نیازی به مراسم عبادت و به موزیک و به کلیسا نداریم. و دیگر به کلیسا صدقه ندهیم. اموس میل ندارد که ما از کلیسا خارج بشویم و فقط به مشکلات مردم بپردازیم. و به خدا کاری نداشته باشیم. و موضوع هم این نمی‌باشد که ما قصد داریم تا تمام ناعدالتی‌ها را از کلیسا دور بی‌اندازیم و فقط ما در عدالت ناب زندگی کنیم. مثل این مثال که: تمام گناهکاران ابتدا

باید خودشان را پاک کنند بعد به مراسم عبادت بیایند. موضوع این می باشد که انسان ها خدا را در معبد خودش ناراحت کرده اند. انها اصلا راجعه خدا و خواسته های او سوالی نپرسیده اند. و به جای ان ، انها اعمال گناهکاران را با جایگاه خداوند عوض کردند. و این موضوع کاملا به ما بر می گردد. اگر مراسم عبادت ما این هدف را داشته باشد که فقط بدون گناهکاران انجام شود. پس این خطبه اموس دقیقا برای ما گفته شده است. و ما در اینجا می توانیم همان سخن پولس را بزنیم که : مسیح کشته شد تا ما بتوانیم بیشتر گناه بکنیم. همچنین می توان این جواب را داد که کسی که غسل تعمید گرفته باشد حتما گناه با او در عیسی مرده است. برای ما مسیحیان این مهم است که با کلمه عدالت خداوند نمی شود بازی کرد. ولی این را هم باید بدانیم که ما نباید این خطر را فراموش کنیم که کارهای ما نباید به دور از خواسته های خداوند باشد. و باید ما به ان بی توجه نباشیم و همیشه باید شخصی مثل اموس به ما این هشدار را بدهد. اموس امروزه چه چیزی را به ما می گوید و او ما را چگونه می ببندد؟ او حتما در این جا دو جماعت را پیدا خواهد کرد یکی انکه افرادی که فقط آنچه خودش گفته بود را انجام می دهند و گروه دیگری که فقط به مراسم عبادت می روند و خدا را یکشنبه ها عبادت می کنند. شخصی مراسم عبادت را انجام می دهد و کسی دیگر کارهای خداپسندانه مردمی انجام می دهد. در واقعه اموس باید با این چیزها خشنود باشد . ما هیچ مراسم عبادت انجام نشده ای نداریم و همچنین درباره کمک های مردمی هم می توانیم برنامه های بروکه را نام ببریم. و اگر اموس بخواد خیلی یک پیامبر ریزبینی باشد ما می توانیم کارهای خودمان را کمی بهتر جلوه دهیم تا ما هم در مسیر درست او قرار بگیریم. ولی وقتی که من سخن های اموس را می شنوم این را می فهمم که موضوع بر سر کمی بهتر دیده شدن نمی باشد بلکه موضوع بر سر یک راه کاملا متفاوتی می باشد. ان زمانی که اموس در بالای ان معبد قرار داشت و به قربانی کردن مردم می نگرست این را به همه اعلام داشت که در انجا یک چیز مهمی وجود ندارد و ان هم چیزی که همه به ان عبادت کنند. یعنی خود وجود خداوند. از این رو در هر کلیسای های ما برنامه های کمک رسانی هم می توانیم ببینیم. همه این اعمال ها کارهای خدا پسندانه که برای تمام انسان ها انجام می پذیرد حتی اگر خدا در انجا حضور نداشته باشد. باز هم اعمالی از طرف خداوند و برای او محسوب می شوند. ولی اگر در مراسمی همه چیز وجود داشته باشد مثل یک موزیک زیبا باز هم ولی این را نباید فراموش بکنیم که مهمترین چیز یعنی همان خدا نباید غائب باشد. عیسی در مراسم پاییزی شکرگذاری این را کاملا شرح داد. او در بالاترین نقطه این مراسم این را می گوید که کسی که به من ایمان داشته باشد از بدن او آب حیات عبور خواهد کرد. عیسی ان زمان به همه جا پای نمی گذاشت تا بهترین افراد را برای مراسم ها دعوت کند بلکه او از میان مردم گناهکاران را انتخاب می کرد. برخی از انها انقدر بدبخت بودند که اجتماع آنها را ترد کرده بود. کلاهدارها، ناپاک ها ، بی فرهنگ های اجتماعی و ولی انها مهمترین چیز را داشتند و ان هم خود عیسی. همینطور که الان عیسی در نزد ما وجود دارد. و او یک خدای کامل و خود عیسی حقیقی هست و ما دوست داریم که او را در مرکز جماعت خودمان قرار بدهیم و از او فقط بشنویم. و هر وقت که ما نان و شراب او را دریافت می کنیم دوست داریم که زندگی دوباره دریافت کنیم. و اموس هم میل دارد سخنان خود عیسی را برای ما بازگو کند و در حقیقت روزی خواهد آمد که حقیقت همه جا جاری خواهد شد. و در عیسی همه چیز حقیقت دارد و این را اموس می گوید. آمین